

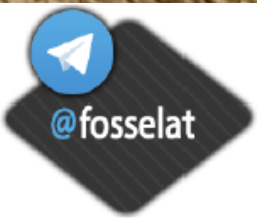


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انواع و ابعاد «راه رفتن» در قرآن

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا
فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ

ملک، ۱۵



معنای واژه «مشی»

الف- اخلاقی: اجتناب از تکبر (عمومی)

- ۱- غرور و سرمستی
- ۲- رفتار اجتماعی حکیمانه (نهی از خودبرتربینی و خودپسندی)
- ۳- تواضع از صفات عبادالرحمان
 - × از صفات متقین تواضع در راه رفتن
 - × راست قامتان جاده توحید (تفاوت مومن و کافر)
- ۴- جنون نمایش ثروت (درس عبرت از قصه ی قارون)

ب- احکامی: رعایت عفاف برای بانوان

- ۱- حیا در راه رفتن
- ۲- ممنوعیت کوبیدن پاها (هر گونه جلب توجه)

ج- نظامی (سیاسی و اعتقادی)

- ۱- ثابت قدم بودن در میدان جنگ
- ۲- همچون کوه استوار باش

معنای واژه «مشی»



معنای واژه «مشی»

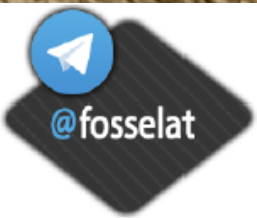
«مشی»: راه رفتن با اراده

راغب در مفرداتش گوید: «الانتقال من مكانٍ الى مكانٍ بِإِرَادَةٍ»
مشی در راه رفتن معنوی نیز به کار می رود:

وَيَجْعَلُ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ

سوره حدید، آیه ۲۸

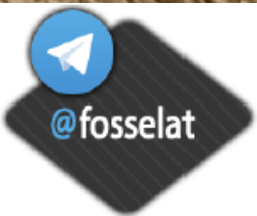
قاموس قرآن، ج ۶، ص ۲۶۰



الف - اخلاقی: اجتناب از تکبر (عمومی)

۱- غرور و سرمستی





الف - اخلاقی: اجتناب از تکبر (عمومی)

۱- غرور و سرمستی

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ
الْأَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا

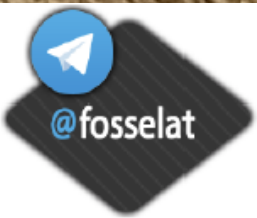
با غرور و سرمستی در زمین راه مرو که هرگز نمی توانی [با قدم هایت] زمین را
بشکافی، و در بلندی [قامت] نمی توانی به کوه ها برسی

اسراء - ۳۷

الف- اخلاقی: اجتناب از تکبر (عمومی)

۲- رفتار اجتماعی حکیمانه (نهی از خودبرتربینی و خودپسندی)





الف - اخلاقی: اجتناب از تکبر (عمومی)

۲- رفتار اجتماعی حکیمانه (نهی از خودبرتربینی و خودپسندی)

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ -
وَاقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

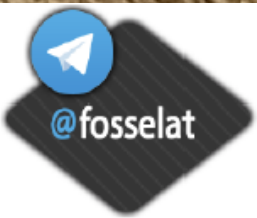
و متکبرانه روی از مردم برمگردان! و در زمین شادان و سرمست راه مرو؛ زیرا خداوند هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد - در راه رفتنت میانه رو باش! از صدایت بکاه که بی تردید ناپسندترین صداها صدای خران است

لقمان ۱۸ و ۱۹

الف - اخلاقی: اجتناب از تکبر (عمومی)

۳- تواضع از صفات عباد الرحمن





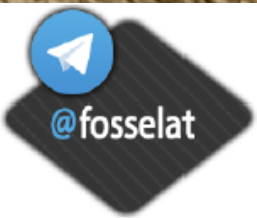
الف - اخلاقی: اجتناب از تکبر (عمومی)

۳- تواضع از صفات عبادالرحمان

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ
هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

بندگان [حقیقی] خداوندِ رحمان آناند که روی زمین با آرامی و فروتنی راه می روند، و هنگامی که مورد گفتار نادانان قرار می گیرند [در پاسخشان] می گویند: [بین ما و شما] جدایی [است]

فرقان - ۶۳



از صفات متقین، تواضع در راه رفتن

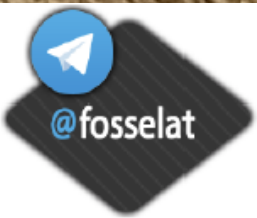
مَنْطِقُهُمُ الصَّوَابُ

وَمَلْبَسُهُمُ الْإِقْتِصَادُ

وَمَشْيُهُمُ التَّوَاضُّعُ

فَالْمُتَّقُونَ فِيهَا هُمْ أَهْلُ الْفَضَائِلِ

پرهیزکاران در دنیا صاحب فضیلت هایی هستند:
۱- گفتارشان راست
۲- لباسشان میانه روی
۳- و راه رفتنشان تواضع و فروتنی است.



راست قامتان جاده توحید (تفاوت مومن و کافر)

أَفَمَنْ يَمْشِي مُكِبًّا عَلَىٰ وَجْهِهِ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمْشِي
سَوِيًّا عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ



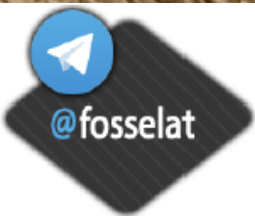
آیا کسی که [در راهی لغزنده و ناهموار] حرکت می کند و پی در پی به صورت درمی افتد
هدایت یافته تر است، یا آن که راست قامت به راهی مستقیم می رود؟

ملک، ۲۲

الف - اخلاقی: اجتناب از تکبر (عمومی)

۴- جنون نمایش ثروت (درس عبرت از قصه قارون)





الف - اخلاقی: اجتناب از تکبر (عمومی)

۴- جنون نمایش ثروت (درس عبرت از قصه قارون)

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو
حَظٍّ عَظِيمٍ

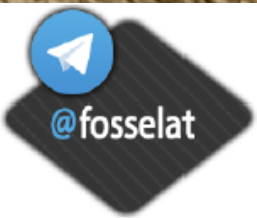
[قارون] با [همه] زینت و زیورش به جانب قومش بیرون شد، آنان که [به سبب جهل به آخرت و پاداش های عظیم آن] خواهان زندگی دنیا بودند گفتند: ای کاش مانند آنچه برای قارون فراهم آمده برای ما [هم فراهم] بود، همانا او دارای بهره بزرگی است.

قصص - ۷۹

ب- احکامی: رعایت عفاف برای بانوان

۱- حیا در راه رفتن





ب- احکامی: رعایت عفاف برای بانوان

۱- حیا در راه رفتن

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي
يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ عَلَيْهِ
الْقَصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

پس یکی از آن دو زن - درحالی که با حالت حیا گام برمی داشت - نزد او آمد [و] گفت: همانا پدرم تو را دعوت می کند تا در برابر این که برای ما [گوسفندانمان را] آب دادی پاداشت دهد. چون نزد او آمد و سرگذشتش را شرح داد، [پدر دختران] گفت: [دیگر] بیم و هراس نداشته باش [؛ چون] از آن قوم ستمکار نجات یافتی.

قصص - ۲۵

ب- احکامی: رعایت عفاف برای بانوان

۲- ممنوعیت کوبیدن پاها (هر گونه جلب توجه)



ب- احکامی: رعایت عفاف برای بانوان

۲- ممنوعیت کوبیدن پاها (هر گونه جلب توجه)

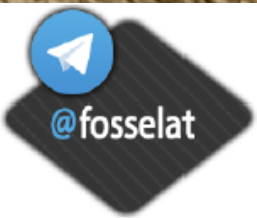
وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا ۖ وَلْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ آبَائِهِنَّ أَوْ آبَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَىٰ إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنَاتِ أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرَ أُولَىٰ الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا يَضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتَوْبُوا إِلَى اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهُ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

و به زنان باایمان بگو دیده [از نگاه به نامحرم] فرو نهند، و غریزه جنسی خود را پاک نگه دارند، و زینت های خود را [چون لباس های قابل توجه نامحرم، و گردن بند و دست بند که زیر چادر و تن پوش هاست] آشکار نکنند، مگر آنچه [به طور متعارف] آشکار است [مانند: گردی صورت، و دست ها تا مچ، و روی پاها]. و باید مقتعه های خود را [برای پوشیده ماندن گردن و سینه،] به روی گریبان هایشان ببندازند، و زینت های خود را آشکار نکنند مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدران شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران شوهرانشان، یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا خواهرانشان، یا زنان [هم کیش]شان، یا بردگان زرخیدشان، یا مردان خدمت کاری که احساسی به مسائل جنسی ندارند، یا اطفالی که به هیجان غریزه جنسی و سن تمیز نرسیده اند. و [زنان] نباید پاهایشان را [به وقت راه رفتن به گونه ای] به زمین بزنند که زینت هایی که پنهان می دارند [توسط نامحرم] شناخته شود، ای مؤمنان! همگی به سوی خداوند بازگردید تا [بر همه موانع راه سعادت] پیروز شوید.

ج-نظامی (سیاسی و اعتقادی)

۱- ثابت قدم بودن در میدان جنگ





ج- نظامی (سیاسی و اعتقادی)

۱- ثابت قدم بودن در میدان جنگ

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ
أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

بقره - ۲۵۰

چون [طالوت و اهل ایمان] با جالوت و سپاهیانش روبرو شدند گفتند: پروردگارا! بر ما صبری ویژه فرو ریز! و گام هایمان را استوار ساز! و ما را بر گروه کافران پیروز گردان

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا
لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

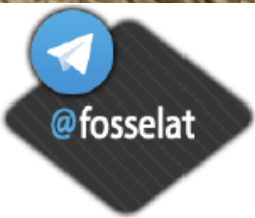
انفال - ۴۵

ای مؤمنان! چون [در میدان نبرد] با دشمن روبرو شدید ثابت قدم باشید و خدا را بسیار یاد کنید تا پیروزی نصیبتان شود.

ج-نظامی (سیاسی و اعتقادی)

۲- همچون کوه استوار باش (خطاب به محمد حنفیه، در جنگ جمل)





ج-نظامی (سیاسی و اعتقادی)

۲- همچون کوه استوار باش (خطاب به محمد حنفیه، در جنگ جمل)

وَمِنْ كَلَامٍ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِابْنِهِ مُحَمَّدٍ بْنِ الْحَنْفِيَّةِ لَمَّا
أَعْطَاهُ الرَّأْيَةَ يَوْمَ الْجَمَلِ تَزُولُ الْجِبَالُ وَلَا تَزُلُ. عَضُّ
عَلَى نَاجِذِكَ. أَعِزَّ اللَّهُ جُمُوعَتَكَ. تَدُ فِي الْأَرْضِ
قَدَمَتِكَ. إِرْمِ بِبَصَرِكَ أَقْصَى الْقَوْمِ. وَغَضُّ بَصَرِكَ وَ
اعْلَمْ أَنَّ النَّصْرَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ.

خطبه یازدهم نهج البلاغه

از سخنان آن حضرت است
به وقتی که در نبرد جمل پرچم را به دست فرزندش محمد حنفیه داد:
اگر کوهها از جای بجنبند تو ثابت باش. دندان بر دندان بفشار. سر خود را به خداوند بسپار.
قدمهایت را بر زمین میخکوب کن. دیده به آخر لشکر دشمن بینداز. به وقت حمله چشم
فروگیر. و آگاه باش که پیروزی از جانب خدای سبحان است.